



A T I V E N O

شناسنامه
P R O F I L E

- صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه (وابسته به سازمان تأمین اجتماعی)
- سردبیر: زیر نظر شورای سردبیری
- صفحه‌آرا: محمدرضا لری چی
- ویراستار: کوروش اشرفی
- طراح: مهرناز منتظریان
- دبیر عکس: ستاره کاظمی
- نشانی: میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر خیابان دوازدهم، شماره ۲۲
- تلفن: ۰۲۱-۴۵۴۳۶
- تحریریه: داخلی ۱۳۸
- بازگرائی: داخلی ۱۲۲

خبر
N E W S

۳ ثانیه صدا؛ کلید سرت هویت

فناوری همیشه روی خوش ندارد. یکی از روندهای نگران کننده و روبه رشد در دنیای دیجیتال، سوءاستفاده از «شبیه‌سازهای صوتی مبتنی بر هوش مصنوعی» است. شاید به یاد داشته باشید که تا همین چندی پیش یکی از شگردهای رایج کلاهبرداران، ارسال پیامی در شبکه‌های اجتماعی با این مضمون بود: «عکس‌های قدیمی‌مون رو به یک کلیپ ویدیویی تبدیل کردم؛ داندلودش کن!» هدف از این پیام‌های وسوسه‌انگیز تنها یک چیز بود: وادار کردن مخاطب به کلیک روی لینک همراه پیام تا بدافزاری مخرب روی گوشی او داندلود و نصب شود. اما حالا کلاهبرداران از آن تله‌های کلیکی ساده و لینک‌های آلوده عبور کرده‌اند. در ترند تازه، آن‌ها با استفاده از شبیه‌سازی هوشمند صدا، دیگر نیازی به کلیک شما ندارند؛ بلکه مستقیماً احساسات و اعتماد شما را هدف می‌گیرند. امروزه کلاهبرداران اینترنتی تنها با در اختیار داشتن سه ثانیه از صدای شما یا عزیزانتان – که ممکن است از یک ویدیوی ساده در شبکه‌های اجتماعی یا حتی از یک گفت‌وگوی کوتاه در تماس ناشناس به دست آمده باشد – می‌توانند صدای افراد را با دقتی شگفت‌انگیز بازسازی کنند. در گام بعد، آن‌ها با اعضای خانواده تماس می‌گیرند و با همان لحن و صدای آشنای فرزند یا همسر، با حالتی مضطرب ادعا می‌کنند که تصادف کرده‌اند، به محل کار دچار مشکل شده‌اند یا فوراً به پول نیاز دارند. این تله‌ی احساسی سبب می‌شود بسیاری از والدین یا نزدیکان، بدون درنگ و برای نجات عزیزانشان پول واریز کنند. با این حال، راه مقابله با این فناوری پیچیده به‌طریز شگفت‌آور ساده، انسانی و کاملاً در دسترس است: تعیین «کلمه‌ی عبور خانوادگی». کافی است همین امروز در جمع خانواده یک واژه یا عبارت خاص و بی‌ربط (مثلاً «دوچرخه‌ی بنفش» یا «عطر دارچین») را به‌عنوان رمز مشترک انتخاب کنید. توافق کنید که اگر روزی یکی از اعضای خانواده در شرایط اضطراری تماس گرفت و درخواست پول کرد، گیرنده‌ی تماس بپرسد: «رمز خانوادگی‌مون چی بود؟» اگر فرد پشت خط کلاهبرداری مجهز به هوش مصنوعی باشد، پاسخ را نمی‌داند و احتمالاً تماس را فوراً قطع می‌کند. علاوه بر این راهکار ارتباطی، یک اقدام فنی ساده هم می‌تواند مفید باشد: در تنظیمات حریم خصوصی (Privacy) پیام‌رسان‌های خود، امکان تماس صوتی را روی حالت «فقط مخاطبان» قرار دهید تا افراد ناشناس نتوانند با تماس‌های ساختگی نمونه‌ای از صدای شما ضبط کنند. با همین دو اقدام ساده می‌توانید تا حد زیادی امنیت مالی و آرامش روانی خانواده‌تان را حفظ کنید.



تجارتی به نام روابط انسانی

نگاهی به فیلم «خانواده‌ی اجاره‌ای» که تجارت نوظهور روابط انسانی را در دل تنهایی مدرن و اقتصاد گیگ با ظرافت روایت می‌کند

کارگردانی فیلم بر عهده‌ی «هیکاری» فیلمساز تحسین‌شده‌ی ژاپنی است که توانسته با ظرافت، لحن فیلم را روی مرز باریک کمدی موقعیت و درام روان‌شناختی نگه دارد. فیلم نه‌آنقدر تارایک است که مخاطب را پس بزند و نه آنقدر کمدی که عمق فاجعه‌ی تنهایی انسان مدرن را نادیده بگیرد. «خانواده‌ی اجاره‌ای» از زمان اکران خود با استقبال چشمگیر منتقدان و تماشاگران مواجه شد. این فیلم که نخستین بار در جشنواره‌ی فیلم ساندنس به نمایش درآمد، توانست جایزه‌ی ویژه‌ی تماشاگران را از آن خود کند و نامزدی بهترین بازیگر مرد در جوایز گلدن گلوب را برای برندن فریزر به ارمغان بیاورد. در پلتفرم‌های امتیازدهی نیز عملکرد موفقی ثبت کرده است؛ کاربران سایت «ای‌ام‌دی‌بی» (IMDb) امتیاز قابل توجه ۷.۸ از ۱۰ را به آن اختصاص داده‌اند و در وب‌سایت «راتن تومیتوز» (Rotten Tomatoes) نیز با کسب تأییدیه‌ی ۸۹ درصد از سوی منتقدان، نشان «گوجه‌فرنگی تازه» را دریافت کرده است. علاوه بر این، سینمادوستان در شبکه‌ی اجتماعی «لترباکسد» (Letterboxd) میانگین امتیاز ۳.۹ از ۵ را برای این اثر ثبت کرده‌اند که نشان‌دهنده محبوبیت بالای آن در میان مخاطبان جدی تر سینماست. «خانواده‌ی اجاره‌ای» فقط فیلمی سرگرم‌کننده دربار‌ه‌ی یک شغل عجیب در ژاپن نیست، بلکه هشدارى دربار‌ه‌ی آینده‌ی جوامع شهری است. تماشای این فیلم مخاطب را به فکر وامی‌دارد که در شلوغی‌های روزمره و مسابقه‌ی بی‌پایان کار و درآمد، چقدر از آدم‌های اطرافمان غافل شده‌ایم. این فیلم به‌زیبایی یادآوری می‌کند که هرچند در دنیای امروز می‌توان برای هر نیازی خدمات پولی پیدا کرد، اما ارتباطات واقعی و اصیل انسانی تنها چیزی است که در هیچ کاتالوگی برای اجاره یا خرید وجود ندارد. این فیلم تلنگری است تا قدر روابط واقعی زندگی‌مان را بیشتر بدانیم؛ پیش از آنکه مجبور شویم برای داشتن هم‌صحبت دست‌به‌جیب شویم.

ابتدا به این کار صرفاً به چشم منبع درآمد و نقش آفرینی ساده نگاه می‌کند. او پول می‌گیرد تا چند ساعت ادای کسی را در بیاورد که مشتری می‌خواهد. اما هرچه بیشتر درگیر این شغل عجیب می‌شود، درمی‌یابد که مشتریان او نه به دنبال فریب دادن دیگران، بلکه در پی التیام زخم‌های درونی خود هستند. آن‌ها تنهایی عمیق خود را پشت این روابط پولی پنهان کرده‌اند. در این میان، خودبازیگر که در زندگی واقعی مردی تنها و شکست‌خورده است، در دل این روابط جعلی و مالی معنایی تازه برای زندگی و ارتباطات انسانی پیدا می‌کند. از منظر اجتماعی و مسئله‌ی اشتغال، فیلم «خانواده‌ی اجاره‌ای» آینده‌ی تمام‌نمای اقتصاد مدرن، یا همان «اقتصاد گیگ» است. مادر عصری‌زندگی می‌کنیم که افراد می‌توانند مهارت‌هایشان را به‌صورت ساعتی و پروژه‌ای بفروشند؛ اما فیلم این سؤال تکان‌دهنده را مطرح می‌کند: آیا می‌توان صمیمیت، همدلی و خانواده را هم مانند خدمات تا کسی اینترنتی، به شکل ساعتی خرید؟ وقتی فردی به‌عنوان پدر یا دوست استخدام می‌شود، آیا فقط زمانش را می‌فروشد یا بخشی از روح و روانش را؟ این شغل عجیب مرزهای میان کار و زندگی شخصی را به کلی محوم می‌کند و کارگرانی را نشان می‌دهد که باید احساسات خود را برای رضایت مشتری مدیریت و سرکوب کنند.

ارزش سینمایی

از نظر سینمایی، حضور برندن فریزر در نقش اصلی یکی از بزرگ‌ترین نقاط قوت این فیلم است. فریزر که پس از سال‌ها دوری از سینما با گشت شکوهمندان‌ه‌ای داشت و اسکار بهترین بازیگر مرد را برای فیلم «نهنگ» دریافت کرد، در اینجا نیز با همان آسیب‌پذیری و صمیمیت خاص خود ظاهر می‌شود. او به‌خوبی توانسته است اتصال یک کارگر روزمزد عاطفی و غم‌پنهان در چشم‌های مردی تنها را به تصویر بکشد.

هیوا جهانگرد

روزنامه نگار

تصور کنید برای شرکت در مراسم عروسی، نیاز به یک عمومی خوش‌مشرب و خنده‌رو دارید تا در برابر خانواده‌ی همسرتان حفظ آبرو کنید؛ یا برای فرار از فشارهای اجتماعی، دل‌تان می‌خواهد یک روز در هفته پدری مهربان داشته باشید تا همراهش در پارک قدم بزنید و با او درد دل کنید. شاید در نگاه اول شبیه ایده‌ای از سریال‌های علمی‌تخیلی به نظر برسد، اما «اجاره‌ی اعضای خانواده» سال‌هاست که در ژاپن به شغلی واقعی و تجارتی پررونق تبدیل شده است. در دنیایی که آدم‌ها هر روز منزوی‌تر می‌شوند، بازار کار نیز شکل‌های عجیبی به خود می‌گیرد؛ بازاری که در آن جای خالی عشق و توجه با پول پر می‌شود. فیلم «خانواده‌ی اجاره‌ای» (Rental Family)، محصول سال ۲۰۲۵، دقیقاً دست روی همین سوزه‌ی بکر و بحث‌برانگیز گذاشته است.

داستان فیلم

این فیلم داستان یک بازیگر آمریکایی بی‌پول و به‌ته‌خطررسیده (با بازی برندن فریزر) را روایت می‌کند که در توکیو زندگی می‌کند. او که در حرفه‌ی اصلی‌اش موفقیتی کسب نکرده و با مشکلات مالی و تنهایی دست‌وپنجه نرم می‌کند، ناگهان با یک آگهی شغلی نامتعارف روبه‌رو می‌شود: کار در یک شرکت ارائه‌دهنده‌ی خدمات «خانواده‌ی اجاره‌ای». کارفرمای ژاپنی به یک مرد غربی نیاز دارد تا در سناریوهای مختلف مشتریان نقش‌های متفاوتی بازی کند؛ از نقش یک شریک تجاری خارجی برای اعتبار بخشیدن به یک کارمند ساده گرفته تا نقش شوهر موقت یا دوست خانوادگی. آنچه این فیلم کمدی-درام را به اثری قابل تأمل تبدیل می‌کند، تضاد جالب میان شغل و احساسات است. قهرمان داستان در

آینده چطور خواهد بود؟

مستند بیل گیتس نشان می‌دهد هوش مصنوعی چگونه قواعد بازار کار و ارزش مهارت‌های انسانی را دگرگون می‌کند

این روزها در هر جمعی که می‌نشینیم-از مطب پزشک و اتاق استراحت کارخانه گرفته تا دورهمی‌های خانوادگی و گپ‌وگفت‌های نوجوانان-دیر یا زود پای یک مهمان ناخوانده به میان می‌آید: هوش مصنوعی. پرسشی که در پس ذهن بسیاری از ما زنگ می‌زند این است که آیا این فناوری شگفت‌انگیز و پرشتاب قرار است جای ما را در محل کار بگیرد؟ آیا تخصصی که برایش سال‌ها زحمت کشیده‌ایم، چند سال دیگر همچنان خریدار خواهد داشت؟ اگر شما هم با چنین دغدغه‌هایی روبه‌رو هستید، مستند سریالی «آینده چطور خواهد بود؟ همراه با بیل گیتس» (What's Next? The Future with Bill Gates) که در سال ۲۰۲۴ از سوی شبکه نتفلیکس منتشر شده، دقیقاً همان اثری است که باید تماشا کنید. بیل گیتس، بنیان‌گذار مایکروسافت و یکی از اثرگذارترین چهره‌های فناوری در دهه‌های اخیر، در این مستند پنج‌قسمتی به سراغ بزرگ‌ترین چالش‌های آینده بشر می‌رود. با این حال، برای بسیاری از مخاطبان، جذاب‌ترین و مهم‌ترین بخش مجموعه همان قسمت نخست است؛ جایی که به‌طور کامل به هوش مصنوعی و دگرگونی دنیای کار اختصاص یافته‌است. گیتس در این مستند در مقام «دانا کل» ظاهر نمی‌شود، بلکه بیشتر شبیه کاوشگری کنجکاو است که خود نیز از سرعت پیشرفت این فناوری شگفت‌زده شده است. او به سراغ چهره‌های مطرحی همچون سم آلتمن-از چهره‌های کلیدی توسعه چت‌جی‌پی‌تی-می‌رود تا از آنان بپرسد آینده شغل‌هایمان چه خواهد شد.

یکی از نکات تکان‌دهنده‌ای که مستند بر آن تأکید می‌کند، تغییر هدف انوماسیون است. تا حدود یک دهه پیش، وقتی از جایگزینی ماشین‌ها با انسان سخن می‌گفتیم، ذهن‌ها بلافاصله به سمت کارخانه‌ها، خطوط مونتاژ و کارهای فیزیکی و تکراری می‌رفت. اما هوش مصنوعی قواعد بازی را تغییر داده است. در این مستند می‌بینیم که الگوریتم‌ها در حال یادگیری مهارت‌هایی هستند که تا همین اواخر قلمرو انحصاری هوش انسانی به شمار می‌رفت: نوشتن متن، برنامه‌نویسی، تحلیل داده‌های پیچیده مالی و حتی ارائه تشخیص‌های اولیه پزشکی. به بیان دیگر، این بار مشاغل موسوم به «یقه‌سفید»-یعنی کارمندان اداری، متخصصان، نویسندگان و برنامه‌نویسان-زودتر از کارگران یقه‌آبی با خطر تغییر یا جایگزینی روبه‌رو شده‌اند. اما آیا مستند «آینده چطور خواهد بود؟» تصویری آخرالزمانی از بیکاری گسترده ترسیم می‌کند؟ پاسخ منفی است. این مستند می‌کوشد نگاهی واقع‌بینانه و در عین حال امیدوارانه ارائه دهد. گیتس معتقد است هوش مصنوعی قرار نیست انسان را حذف کند، بلکه نقش او را دگرگون خواهد کرد. تصور کنید هوش مصنوعی بتواند همه کارهای اداری خسته‌کننده-از کاغذبازی‌ها گرفته تا ورود داده‌ها و تهیه گزارش‌ها-را در چند ثانیه انجام دهد. در چنین شرایطی انسان‌ها زمان آزاد بیشتری خواهند داشت. مستند حتی به ایده‌ای جسورانه می‌پردازد: اینکه شاید در آینده‌ای نه‌چندان دور، به لطف هوش مصنوعی

مجبور نباشیم پنج یا شش روز در هفته کار کنیم و بتوانیم به هفته کاری سه‌روزه برسیم، بی‌آنکه از رفاه عمومی جامعه کاسته شود. یکی از زیباترین پیام‌های غیرمستقیم این مستند، برجسته کردن ارزش همدلی انسانی است. وقتی ماشین‌ها بتوانند بهتر از ما محاسبه کنند و کد بنویسند، چه چیزی برای انسان باقی می‌ماند؟ مستند نشان می‌دهد که مشاغل مبتنی بر ارتباطات انسانی، مراقبت و همدلی-مانند پرستاری، مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی، معلمی و حرفه‌هایی که نیازمند درک احساسات پیچیده انسانی هستند-در آینده به ارزشمندترین مشاغل تبدیل خواهند شد. هوش مصنوعی شاید بتواند یک متن حقوقی بنویسد، اما هرگز نمی‌تواند دست یک بیمار را بگیرد و به او آرامش بدهد یا با نوجوانی در بحران‌های بلوغ همدلی کند. تماشای این مستند ۴۵ دقیقه‌ای (قسمت اول) برای همه-از قانون‌گذار و مدیر گرفته تا دانشجو و کارمند-ضروری به نظر می‌رسد. هوش مصنوعی رمز نمی‌شناسد و دیر یا زود اقتصاد و بازار کار ما را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. «آینده چطور خواهد بود؟» از زبانی ساده یادآوری می‌کند که به‌جای ترسیدن از این همکاران دیجیتال، بهتر است بیاموزیم چگونه از آن‌ها به‌عنوان دستیارانی قدرتمند برای افزایش بهره‌وری استفاده کنیم و در عین حال مهارت‌هایی را در خود و فرزندان‌مان پرورش دهیم که هیچ ماشینی قادر به تقلیدشان نیست: خلاقیت، تفکر انتقادی و همدلی انسانی.

• یک‌شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ • شماره ۵۲۶

فرهنگ
C U L T U R E

بهره‌وری آرام

آیا تا به حال در پایان یک روز کاری شلوغ، با وجود آن که تمام روز در حال دویدن، پاسخ دادن به پیام‌ها، شرکت در جلسات و تیک زدن فهرست کارهایتان بوده‌اید، احساس کرده‌اید هیچ کار مفیدی انجام نداده‌اید؟ اگر پاسخ‌تان مثبت است، شما قربانی پدیده‌ای هستید که کال نیوپورت در جدیدترین کتاب خود آن را «بهره‌وری کاذب» می‌نامد. کتاب «بهره‌وری آرام» (Slow Productivity) که زمستان ۱۴۰۴ وارد بازار نشر ایران شد و با استقبال مواجه گردید، دقیقاً بر همین نقطه‌ی دردناک دست می‌گذارد. نیوپورت، که پیش‌تر با ایده‌ی «کار عمیق» به مقابله با حواس‌پرتی‌های عصر دیجیتال رفته بود، این بار اصل مفهوم «بیشتر کار کردن» را زیر سؤال می‌برد. در دنیای امروز-چه پزشکی در شیفت‌های طولانی باشید، چه کارمندی پشت میز، چه فریلنسر در اقتصاد گیگ و چه معلمی درگیر تصحیح برگه‌های امتحانی-فرهنگی به‌ما تحمیل شده که «مشغول بودن» را معادل «ارزشمند بودن» می‌داند. ما مدام می‌کوشیم ثابت کنیم در حال انجام کاری هستیم. اما نیوپورت معتقد است این رویکرد تنها یک پیامد قطعی دارد: فرسودگی شغلی مطلق.

او در این کتاب، به‌جای ارائه‌ی راهکارهایی برای اینکه «چگونه در زمان کمتر کارهای بیشتری انجام دهیم»، رویکردی رادیکال و در عین حال شفاف‌بخش پیشنهاد می‌کند: «انجام کارهای کمتر، با سرعتی طبیعی‌تر و با وسواسی بیشتر نسبت به کیفیت.» این پیشنهاد در نگاه نخست شاید با فرهنگ مسلط سرعت و رقابت بی‌وقفه ناسازگار به نظر برسد، اما نیوپورت نشان می‌دهد که همین شتاب‌زدگی دائمی، بزرگ‌ترین مانع خلق کار عمیق و ماندگار است. او با بررسی زندگی چهره‌های برجسته‌ای چون ماری کوری و جین آستن نشان می‌دهد هیچ‌یک روزانه هشت ساعت مداوم و پرفشار کار نمی‌کردند، بلکه دوره‌های کار متمرکز را با بازه‌های طولانی استراحت، تأمل و تجدید قوا درمی‌آمیختند. انسان ربات نیست که بتواند با ریتمی ثابت در تمام سال خروجی یکسان داشته باشد؛ انرژی‌ما همچون فصول سال، فراز و نشیب دارد و نادیده گرفتن این چرخه، به فرسودگی می‌انجامد. پیام غیرمستقیم اما قدرتمند کتاب به مدیران و کارکنان این است که برای ساختن محیط کاری سالم‌تر، نیازی به نصب نرم‌افزارهای کنترلی یا برگزاری جلسات انگیزشی توخالی نیست؛ کافی است بپذیریم کیفیت کار و سلامت روان نیروی انسانی در گرو کاهش سرعت، تمرکز بر اولویت‌های محدود و احترام به ریتم طبیعی زندگی است. «بهره‌وری آرام» یادآوری می‌کند قرار نیست زندگی‌مان را فدای رزومه‌ها کنیم، بلکه کار باید در خدمت «بوم‌زندگی»‌ای معنا دار، متوازن و آرام باشد.

در پایان، باید توجه داشت که کال نیوپورت با آثاری چون «کار عمیق» در ایران بسیار پرفروش و محبوب است. همین شهرت موجب شده برخی ناشران، به امید کسب سود بیشتر، مسابقه‌ای برای ترجمه و انتشار سریع کتاب تازه‌ی او به راه بیندازند. در چنین رقابتی که قاعده‌ی «هر که زودتر چاپ کند، برنده است» حاکم می‌شود، کیفیت ترجمه‌ها طبعاً افت می‌کند. از این رو، پیشنهادهای می‌شود پیش از خرید، ترجمه‌های مختلف موجود در بازار را شخصاً تسورق کنید و آگاهانه تصمیم بگیرید کدام نسخه مناسب‌تر است.



بهره‌وری آرام

- نویسنده: کال نیوپورت
- مترجم: امیرعلی ابراهیم‌زاده
- ناشر: نشر آموخته
- سال انتشار: ۱۴۰۴